

ادعای آمریکا مبنی بر عبور ۱۶ میلیون بشکه نفت در یک شب، با داده‌های ردیابی کشتی‌ها همخوانی ندارد

جنگ با ابزارروایت



گروه اقتصادی: در روزهای اخیر تنگه هرمز به صحنه‌ای از روایت‌های متناقض تبدیل شده است؛ از یک سو مقام‌ها و رسانه‌های آمریکایی از عبور میلیون‌ها بشکه نفت و باز شدن تدریجی مسیر تنگه هرمز سخن می‌گویند و از سوی دیگر، داده‌های منتشرشده از سوی شرکت‌های رصد دریایی و رسانه‌های منطقه‌ای، از کاهش شدید رفت‌وآمد و عبور چند کشتی در روز از این آبراه حکایت دارد. یک روایت می‌گوید آمریکا توانسته با حفاظت نظامی و مسیرهای جایگزین، جریان نفت را تا حدی حفظ کند و روایت دیگر می‌گوید تنگه همچنان تحت کنترل ایران است و آنچه دیده می‌شود تلاشی پرهزینه و محدود برای عبور از شکاف‌های باقی‌مانده در این کنترل است.

واقعیت احتمالا در میان این دو تصویر قرار دارد؛ نه می‌توان هر ادعای آمریکا درباره عبور عادی نفتکش‌ها را بی‌چون و چرا پذیرفت و نه می‌توان تصور کرد هیچ کشتی و هیچ محموله‌ای از این آبراه عبور نمی‌کند. اما این پرسش بجاست: اگر آمریکا و برخی دولت‌های منطقه به هر طریق و ترفندی نتوانسته‌اند راه‌هایی کم‌اثر برای افزایش تدریجی عبور نفت از هرمز پیدا کنند، راهبرد ایران چه باید باشد؟ پاسخ اقتصادی و راهبردی به این پرسش اهمیت زیادی دارد. تنگه هرمز امروز به یکی از معدود نقاطی تبدیل شده که نتیجه آن می‌تواند بر محاسبات اقتصادی جنگ، قیمت انرژی و رفتار سیاسی قدرت‌های بزرگ اثر بگذارد. روندهای چند ماه گذشته نشان می‌دهد میزان تردد از تنگه در دوره‌های مختلف تغییر کرده و در هفته‌های اخیر، تلاش برای افزایش دوباره عبور نفت از مسیرهای جنوبی و عمانی جدی‌تر شده است. هرچند ممکن است این یک جنگ روانی از سوی آمریکایی‌ها برای کنترل بازار باشد اما این مساله باید به شکل فعالانه رصد و واکنش مقتضی داده شود.

اهمیت این مساله در پیام‌ها صادر شده از سوی جمهوری اسلامی نیز واضح است. محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در مواضع اخیر خود بر همین جنبه تأکید کرده و گفته است آمریکا نباید تصور کند با ادامه جنگ اقتصادی می‌تواند بدون هزینه از منابع منطقه بهره‌برد. وی همچنین تأکید کرده ایران تنگه هرمز را در اختیار دارد و مدیریت این آبراه باید با لحاظ منافع و امنیت ایران انجام شود.

■ **تناقض آمریکایی‌ها در اعلام امار**

تناقض در ارقام، خود به یکی از ویژگی‌های مهم بحران جدید تنگه هرمز تبدیل شده است. باراک رابود، خبرنگار آکسیوس در گزارشی به نقل از مقام‌های آمریکایی مدعی شد حدود ۴۰۰ نفتکش در یک شب از مسیر عمیق جنوبی تنگه عبور کردند و نزدیک به ۱۶ میلیون بشکه نفت از این مسیر خارج شد. در مقابل، داده‌های ردیابی کشتی‌ها این روایت را رد کرد و نشان داد در همان روز نفتکش خروجی قابل توجهی ثبت نشده است.

از سوی دیگر، جی‌دی ونس، معاون ترامپ نیز مدعی شده آمریکا روزانه بین ۷ تا ۱۵ میلیون بشکه نفت را از تنگه عبور می‌دهد. چنین رقمی اما با بخشی از داده‌های منتشرشده از سوی سامانه‌های رصد دریایی همخوانی کامل ندارد. شرکت کپلر در برخی گزارش‌های مورد استناد رسانه‌ها، از کاهش شدید تردد در تنگه سخن گفته است. از جمله روزهایی که تنها ۴ کشتی از آبراه عبور کرده‌اند یا تعداد تردد روزانه به ۱۳ و ۱۶ فروند رسیده است. داده‌های عملیات تجارت دریایی بریتانیا نیز از کاهش بسیار زیاد رفت‌وآمد نسبت به سطح پیش از درگیری حکایت دارد.

با این حال اینجا یک نکته مهم وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود: سامانه‌های ردیابی همیشه تصویر کامل را نشان نمی‌دهند. کشتی‌هایی که فرستنده شناسایی خودکار یا AIS را خاموش می‌کنند، ممکن است برای مدتی از چشم سامانه‌های عمومی پنهان شوند. همین مساله باعث شده بخشی از اختلاف میان روایت‌های آمریکایی و داده‌های علنی دریایی به طور قطعی قابل حل نباشد.

اما همین خاموش شدن سامانه‌ها خود یک پیام مهم دارد: کشتی‌ای که برای عبور از یک مسیر عادی مجبور است چراغ الکترونیک خود را خاموش کند، مسیرش را تغییر دهد یا زیر چتر اسکورت نظامی حرکت کند، در واقع از «عبور

عادی» سخن نمی‌گوید و تلویحا پذیرفته که ریسک بالای مسیر همچنان وجود دارد. معنی این رفتار چنین است: اولاً کنترل ایران بر تنگه هرمز همچنان تداوم دارد و دوماً با این شیوه نمی‌توان ترانزیت زیادی را انجام داد.

■ **تلاش برای فرار از هرمز**

گزارش‌های مختلف از نقش پررنگ‌تر آمریکا در ایجاد یک مسیر جنوبی نزدیک آب‌های عمان خبر می‌دهند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، از ابتدای جنگ تلاش‌هایی برای شکل دادن به «کریدور عمانی» انجام شد و در برخی مقاطع هواپیماها، جنگنده‌ها، بالگردها و پهپادهای آمریکایی از عبور محدود نفتکش‌ها پشتیبانی کرده‌اند. گزارش‌ها همچنین برآورد می‌کنند در مرحله‌ای از این روند، ممکن است روزانه حدود یک تا دو میلیون بشکه نفت از تنگه عبور کرده باشد. در مرحله‌های بعد، این تلاش گسترده‌تر شد. بخشی از دولت‌های عربی منطقه، بویژه امارات، حاضر شدند ریسک بیشتری برای انتقال نفت بپذیرند. الگوی تازه‌ای نیز شکل گرفت که می‌توان آن را نوعی «نفتکش شانتل» دانست. به این معنی که نفت از خلیج فارس خارج می‌شود و سپس در خارج از محدوده حساس، به کشتی دیگری منتقل می‌شود. این مساله را نباید کوچک شمرد. اگر آمریکا در ابتدا ناچار بود تقریباً به تنهایی هزینه نظامی عبور نفتکش‌ها را بپردازد، مشارکت شرکت‌های نفتی و دولت‌های منطقه در پذیرش ریسک می‌تواند به‌تدریج ظرفیت عبور را افزایش دهد.

در همین زمینه گزارش‌هایی درباره همکاری نفتی امارات با عراق و تلاش عربستان برای یافتن مسیرهای تازه برای صادرات نفت نیز مطرح شده است. کارشناسان از این روند به عنوان نشانه‌ای از الگوبرداری تدریجی برخی بازیگران منطقه از تجربه امارات یاد می‌کنند.

اینجاست که مساله برای ما باید جدی‌تر می‌شود. اگر این روند بدون واکنش مؤثر ادامه یابد، ممکن است به مرور یک واقعیت جدید شکل بگیرد؛ یعنی آمریکا و متحدانش یاد بگیرند چگونه با هزینه‌ای قابل تحمل، بخش مهمی از اثر فشار تنگه هرمز را خنثی کنند.

■ **خاموشی روی آب**

گزارش نیویورک‌پست با استناد به داده‌های مرکز عملیات تجارت دریایی بریتانیا، از افزایش تدریجی تعداد کشتی‌های عبوری خبر داده و آمده است در یک هفته نزدیک به ۲۰۰

کشتی از تنگه عبور کرده‌اند؛ رقمی که نسبت به هفته‌های پیش افزایش داشته، هرچند همچنان فاصله زیادی با شرایط عادی دارد.

این گزارش همچنین با استناد به داده‌های کپلر مدعی شده بیش از ۸۰ درصد محموله‌های مایع عبوری در ۲ هفته گذشته یا از مسیر نزدیک به عمان حرکت کرده‌اند یا در بخشی از مسیر سامانه ردیابی خود را خاموش کرده‌اند. این ادعا اگر درست باشد اهمیت زیادی دارد. چون نشان می‌دهد آمریکا شاید در پی باز کردن یک مسیر آشکار و عادی نباشد و می‌کوشد با ترکیبی از حفاظت نظامی، تغییر مسیر، خاموشی ردیابی و تقسیم ریسک میان شرکت‌ها و دولت‌های منطقه، یک «عبور حداقلی اما پایدار» بسازد.

برای بازار جهانی، همین مقدار هم می‌تواند اهمیت داشته باشد. بازار نفت لازم نیست حتماً به شرایط عادی بازگردد تا قیمت‌ها آرام شوند، بلکه گاهی چند میلیون بشکه نفت اضافه در روز، به همراه آزادسازی ذخایر و کاهش تقاضا، می‌تواند بخش مهمی از نگرانی بازار را کاهش دهد. این همان نقطه‌ای است که ما باید با دقت و قاطعیت بیشتری عمل کنیم. اگر هدف استفاده از ظرفیت راهبردی تنگه هرمز برای دفاع از منافع ملی است، نباید اجازه داد طرف مقابل با روش‌های پیچیده و کم‌سر و صدا، اثر این ظرفیت را خنثی کند.

■ **بازار تا ابد ذخیره ندارد**

نکته مهم دیگری نیز وجود دارد. بازار جهانی برای مقابله با اختلال تنگه هرمز چند ضربه‌گیر داشته است؛ کاهش تقاضای چین، برداشت چین از ذخایر، آزادسازی ذخایر راهبردی کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی، مسیرهای جایگزین صادرات و ذخایر نفتی روی آب. اما هیچ‌کدام از این ابزارها بی‌پایان نیستند.

چین در مقاطعی واردات نفت خود را به‌شدت کاهش داده و از ذخایر خود استفاده کرده است. بر اساس گزارش‌های موجود، واردات چین در ماه ژوئن تا حدود ۶.۲ میلیون بشکه در روز پایین آمده و این کشور همزمان بخشی از ذخایر خود را مصرف کرده است اما تداوم چنین روندی برای همیشه ممکن نیست؛ پالایشگاه‌ها باید کار کنند، صنایع به خوراک نیاز دارند و امنیت انرژی چین نیز اجازه نمی‌دهد ذخایر راهبردی بدون حد و مرز مصرف شوند.

آمریکا و کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی نیز به

سراغ ذخایر راهبردی رفته‌اند. بر اساس داده‌های موجود، تا ۱۷ ژوئیه حدود ۲۹۰ میلیون بشکه از برنامه ۴۰۰ میلیون بشکه‌ای آزاد شده بود. معنای این داده‌ها این است که ذخایر راهبردی برای روزهای بحران ساخته شده‌اند و نمی‌توانند برای همیشه جای جریان واقعی نفت را بگیرند. مسیرهای جایگزین نیز ظرفیت محدودی دارند؛ خط لوله شرق به غرب عربستان و خط لوله حیشان به فیچره در امارات، بخشی از نفت را از وابستگی مستقیم به تنگه هرمز رها کرده‌اند اما حتی استفاده گسترده از این خطوط نیز نمی‌تواند به تنهایی جای تمام جریان تاریخی هرمز را بگیرد.

■ **قیمت نفت و ساعت سیاسی آمریکا**

۳ سناریوی اصلی برای بازار نفت می‌توان ترسیم کرد: نخست، تثبیت نفت برنت در محدوده ۸۰ تا ۱۰۰ دلار؛ دوم، افزایش آن به محدوده ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار؛ سوم، جهش به سطوح بالاتر از ۱۲۰ دلار.

سناریوی اول زمانی محتمل‌تر است که آمریکا بتواند جریان قابل قبولی از نفت را حفظ کند. سناریوی دوم زمانی جدی می‌شود که ضربه‌گیری‌ها بازار ضعیف شوند و اختلال در تنگه هرمز اثر واقعی‌تری بر عرضه جهانی بگذارد. سناریوی سوم پرنریسک‌تر است، زیرا جهش شدید قیمت انرژی می‌تواند واکنش‌های گسترده اقتصادی و سیاسی به همراه داشته باشد و همزمان خطر گسترش درگیری را بالا ببرد.

برای ما اینجا یک اصل مهم باید رعایت شود: آمریکا نباید بتواند با نمایش چند عبور موفق یا انتشار امارهای بزرگ، این تصور را ایجاد کند که مساله تنگه هرمز عملاً حل شده است. حفظ ابهام، قدرت کنترل و توان بازدارندگی ایران، خود بخشی از معادله اقتصادی است.

■ **تنگه هرمز نباید با آمارسازی فتح شود**

در این میان، نقش جنگ روایت‌ها را هم نباید دست‌کم گرفت. دونالد ترامپ و مقام‌های آمریکایی انگیزه سیاسی دارند که عبور نفت را بزرگ‌تر و موفق‌تر از واقعیت نشان دهند. بازار به خبر واکنش نشان می‌دهد. اگر معامله‌گران باور کنند که روزانه میلیون‌ها بشکه نفت با امنیت از هرمز عبور می‌کند، بخشی از فشار روانی بازار کاهش می‌یابد، حتی پیش از آنکه آمار واقعی صادرات چنین چیزی را ثابت کند. این دقیقاً همان چیزی است که باید با داده، رصد مستقل و روایت دقیق پاسخ داده شود. ایران به یک اتاق رصد دائمی

و دقیق نیاز دارد که اطلاعات مربوط به تردد کشتی‌ها، مسیرها، خاموشی AIS، انتقال کشتی به کشتی، بیمه، مقصد محموله‌ها و تغییرات حجم نفت عبوری را به‌صورت مستمر بررسی کند. در چنین مساله‌ای، اختلاف میان ۶۰۰ هزار بشکه و ۵ میلیون بشکه، تفاوت میان ۲ تصویر کاملاً متفاوت از میدان اقتصادی جنگ است.

اگر حجم عبور واقعا در حال افزایش است، باید مشخص شود چه کشورها و شرکت‌هایی در این روند نقش دارند، چه مسیرهایی استفاده می‌شود و کدام نقاط ضعف موجب افزایش عبور شده است. اگر بخش مهمی از ادعاها تبلیغاتی است، ایران نیز باید بتواند با داده‌های معتبر این تبلیغات را خنثی کند.

■ **قانون بازی باید روشن باشد**

در این شرایط، راه درست برای ایران نه شتاب‌زدگی است و نه رها کردن میدان. دبیر شورای عالی امنیت ملی در سخنان خود از حرکت با «شیب عاقلانه و منطقی» سخن گفته است. همین تعبیر، اگر به یک راهبرد عملی تبدیل شود، می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری باشد.

ایران باید میان کشتی‌های مختلف، رفتارهای مختلف و منافع ملی خود تمایز بگذارد. ایجاد یک سیاست روشن درباره عبور، نقض مقررات، همکاری اقتصادی با طرف‌های متخاصم و استفاده از مسیرهای غیرمجاز، می‌تواند هم قدرت مدیریت ایران را افزایش دهد و هم مانع آن شود که طرف مقابل با ایجاد مسیرهای خاکستری قواعد را به سود خود تغییر دهد. گزارش‌های منتشرشده درباره قرار گرفتن دهه‌ها نفتکش در فهرست شناورهای غیرمجاز نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. اگر چنین سیاستی بر پایه مقررات روشن، شواهد قابل دفاع و قدرت اجرایی دنبال شود، می‌تواند میان «مدیریت آبراه» و «رفتار سلیقه‌ای» مرز ایجاد کند.

نکته مهم این است که ایران نباید اجازه دهد آمریکا با روش‌هایی مانند خاموش کردن سامانه‌های ردیابی، استفاده از کشتی‌های واسطه، انتقال کشتی به کشتی یا واگذاری ریسک به دولت‌های منطقه، به‌تدریج مسیر عبوری پایدار بسازد و سپس همان مسیر را به عنوان شکست کنترل ایران معرفی کند.

■ **یک اهرم و یک آزمون**

نیویورک‌تایمز در تحلیلی درباره وضعیت تنگه هرمز استدلال کرده آمریکا شاید ناچار شود واقعیت نقش ایران در مدیریت این آبراه را بپذیرد و یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌ها، ایجاد تریبی برای عبور امن کشتی‌ها در چارچوب مدنظر ایران باشد. این نگاه، دست‌کم از یک واقعیت مهم پرده برمی‌دارد که حذف ایران از معادله تنگه هرمز، راه‌حلی ساده و کم‌هزینه نیست.

این موقعیت اما برای ایران نیز خودکار و دائمی نخواهد بود. قدرت راهبردی اگر مراقبت نشود به‌تدریج فرسوده می‌شود. طرف مقابل نیز بی‌کار نمی‌ماند. مسیر جایگزین می‌سازد، فناوری تازه به کار می‌گیرد، شرکت‌های جدید وارد میدان می‌کند و هزینه‌ها را میان متحدان تقسیم می‌کند.

بنابراین مساله امروز این نیست که آیا ایران توان مدیریت تنگه هرمز را دارد یا نه. شواهد چند ماه گذشته نشان می‌دهد ایران همچنان بازیگر تعیین‌کننده این آبراه است. مساله اصلی این است که این قدرت چگونه و با چه دقتی به کار گرفته شود.

افزایش صادرات نفت از تنگه هرمز بویژه با همکاری اسارات، یکی از مهم‌ترین ابزارهای آمریکا برای کنترل بازار بوده و مؤثر بودن یا نبودن محدودیت بر جریان نفت می‌تواند در ماه‌های آینده بر مسیر جنگ و محاسبات سیاسی طرف مقابل اثر بگذارد.

تنگه هرمز امروز یک اهرم مهم برای تعیین سرنوشت جنگ است. باید با اطلاعات دقیق، رصد لحظه‌ای، قواعد روشن، تصمیم‌های حساب‌شده و واکنش متناسب اداره شود. اگر عبور نفت واقعا در حال افزایش است، ایران باید علت آن را بشناسد و اجازه ندهد راهکارهای پنهان و تدریجی آمریکا اثرگذاری این اهرم را فرسوده کند. اگر هم امارهای بزرگ درباره عبور نفت بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد، پاسخ آن باید داده و واقعیت باشد.





021-92 00 00 00
www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رस्पина

